

## جستاری پیرامون بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در میراث مکتوب امامیه

- ۱ ..... چکیده
- ۲ ..... درآمد
- ۲ ..... هنگامه بعثت
- ۵ ..... مکان نزول نخستین وحی؛ حراء یا جایی دیگر
- ۹ ..... چگونگی نزول نخستین وحی
- ۱۴ ..... آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش از بعثت
- ۱۹ ..... بعثت و نبوت مقارن یا در دو زمان
- ۱۹ ..... نتیجه

### چکیده

مطابق دیدگاه امامیه، رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در بیست و هفتم ماه رجب سال چهارم از عام الفیل (سن ۴۰ سالگی) بر همگان آشکار گشت. امروزه شهرت بر آن است که نخستین وحی بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در غار حراء بوده در عین حال؛ گزارشاتی از منابع امامیه حکایت از آن دارد که نخستین وحی در منطقه ای میان مکه و منا به نام «ابطح» بر آن حضرت نازل شد. آنچه که از منابع معتبر اهل سنت پیرامون چگونگی نزول وحی نخستین بر نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بر می آید، هرگز قابل قبول نبوده و با جایگاه شامخ نبوت ناسازگار نیست و پسندیده همان است که در سخنان اهل بیت آن حضرت به چشم می آید. پیرامون دیانت آن حضرت پیش از بعثت، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد، برخی در این باره متوقف شدند، برخی قائلند ایشان پیش از رسالتش تابع هیچگونه شریعتی نبود، پاره ای از دانشمندان نظر بر آن دارند

که آن حضرت تابع یکی از شرایع سابق بود و تعدادی از آنها هم با استناد به یک سری مدارک، اعتقاد دارند آن حضرت از ابتدا تابع شریعت خودش بود. لازمه دیدگاه اخیر، اثبات نبوت آن حضرت قبل از بعثت و رسالت است گر چه قبول این لازمه بر اساس سایر دیدگاه ها هم فی حد نفسه امکان پذیر است.

## درآمد

بعثت به معنای برانگیختن فردی به عنوان پیامبر برای هدایت جامعه است. بعثت پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) بزرگترین رویداد را در تاریخ مسلمانان رغم زده و نقطه آغازین دین اسلام به شمار می رود. میراث مکتوب شیعیان و اهل سنت، بحثهای متنوعی را در اطراف واقعه بعثت گرد آوردند. نوشتار حاضر سعی بر آن دارد تا گوشه ای از این مباحث را به گونه مختصر و عمدتاً با تکیه بر منابع امامیه فراهم آورد.

## هنگامه بعثت

مطابق دیدگاه امامیه، بعثت پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) در سن ۴۰ سالگی (سال چهلیم از عام الفیل) بر همگان آشکار گشت. اهل سنت معتقدند ابتدای پیامبری ایشان در سن ۴۰ سالگی بوده و در تعیین ماه و روز بعثت نیز با امامیه اختلاف نظر دارند، به باور آنها، بعثت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در یکی از روزهای ماه رمضان (هفدهم یا هجدهم یا ... ) از سال چهلیم عام الفیل بوده؛ این در حالی است که شیعیان ۱۲ امامی نظر بر آن دارند که بعثت آن حضرت در بیست و هفتم ماه رجب از سال چهلیم رخ داد. علامه مجلسی (رحمة الله عليه) مدعی است امامیه در این باره اتفاق نظر دارد.

## و علی الأخير اتفاق الإمامية.

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۸ ص ۱۹۰، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

بر این نظر اخیر، شیعیان اتفاق نظر دارند.

بدیهی است؛ اتخاذ موضع از سوی شیعه با تکیه بر احادیث اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) است، چنانکه در برخی از روایات ائمه (علیهم السلام) از بیست و هفتم رجب به عنوان تاریخ بعثت پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) یاد شده است.

بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فِي سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي ج ۴ ص ۱۴۹، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران - إيران، محقق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۷ ش.

و در تعدادی از روایات، استحباب روزه بیست و هفتم رجب را به دلیل بعثت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در آن روز می داند.

لَا تَدْعُ صِيَامَ يَوْمِ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ فَإِنَّهُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ التُّبُوءُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي ج ۴ ص ۱۴۹، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران - إيران، محقق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۷ ش.

### پاسخ یک شبهه

مطابق روایات؛ نخستین وحی بر پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله)، آیات ابتدایی از سوره علق بود، همانطور که می دانیم، آیات ابتدایی این سوره در ارتباط با داستان بعثت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در غار حراء است. در نتیجه باید پذیرفت که اولین نزول وحی، مقارن با بعثت بوده است. امین الاسلام طبرسی (رحمة الله عليه) در این باره می نویسد:

أكثر المفسرين على أن هذه السورة أول ما نزل من القرآن وأول يوم نزل جبرائيل (عليه السلام) على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وهو قائم على حراء علمه خمس آيات من أول هذه السورة.

الطبرسي، أبو علي الفضل بن الحسن (متوفى ۵۴۸ هـ)، تفسير مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۳۹۸، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م.

مطابق دیدگاه بیشتر مفسران، این سوره (عَلَق) اولین سوره از قرآن است که بر پیامبر (صلي الله عليه وآله) نازل شد و نخستین روزی که جبرئیل بر آنحضرت نازل گشت در حالی که ایشان در غار حرا ایستاده بود، پنج آیه اول این سوره را برای ایشان بیان کرد.

وانگهی؛ به طور مسلم نزول قرآن در ماه رمضان واقع گردیده است؛ چنانچه خداوند در سوره بقره بر این امر تصریح می کند:

{شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ} [سوره بقره، آیه ۱۸۵]

با توجه به این دو مقدمه چنین بدست می آید که بعثت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در ماه رمضان صورت پذیرفت، این مطلب با دیدگاه امامیه که قائل اند واقعه بعثت در بیست و هفتم ماه رجب بوده، ناهماهنگ است. به نظر می رسد، اهل سنت که بعثت را در ماه رمضان می دانند برای آن است که آنها بعثت را توأم با نزول قرآن دانسته و نزول قرآن هم در شب قدر و در ماه مبارک رمضان می باشد. برخی روایات منابع امامیه هم این قول را تایید می کند.

شَهْرَ رَمَضَانَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ الْقُرْآنَ ... وَ فِيهِ بُئِيَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

القمي، ابو جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، ج ۲ ص ۱۲۳، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م.

ماه رمضان ماهی است مه خداوند قرآن را نازل نمود .... و در این ماه حضرت محمد صلي الله عليه وآله را نبی قرار داد.

در پاسخ از این شبهه می گوئیم؛ با توجه به روایات گوناگون اهل بیت علیهم السلام (اهل بیت ادري بما في البيت) باید جانب قول به ۲۷ رجب را گرفت. این مطلب منافاتی با نزول قرآن در ماه رمضان ندارد به دلیل آنکه قرآن کریم در دو مرحله نازل گشت، نزول دفعی و تدریجی. نزول دفعی آن در ماه مبارک رمضان و نزول تدریجی آن در ۲۷ رجب و همزمان با بعثت بوده است.

برای اطلاع بیشتر می‌توانید به تفسیر المیزان ذیل آیه "شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ" مراجعه نمایید.

روایت شیخ صدوق (رحمة الله عليه) هم به دلیل آنکه در تقابل با طایفه ای از روایات امامیه قرار دارد، اگر نتوانیم معنایی از آن ارائه کنیم که با محتوای این طایفه هماهنگ باشد، به ناچار باید بر اموری مانند تقیه حمل کرد.

(همانطور که گذشت، اهل سنت قائل اند واقعه بعثت در ماه رمضان بوده است)

علامه مجلسی در ابن باره می‌نویسد:

هذا الخبر مخالف لسائر الأخبار المستفيضة ، ولعل المراد به معنى آخر ساوق لنزول القرآن أو غيره من المعاني المجازية ، أو يكون المراد بالنبوة في سائر الأخبار الرسالة ، ويكون النبوة فيه بمعنى نزول الوحي عليه ( صلى الله عليه وآله ) فيما يتعلق بنفسه كما سيأتي تحقيقه ، ويمكن حمله على التقية.

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۸ ص ۱۹۰، تحقیق: محمد

الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

این روایت مخالف با سایر روایات فراوان است، و چه بسا این روایت معنایی دیگری داشته باشد که مناسب با نزول قرآن داشته باشد و یا معنایی مجازی دیگر، یا اینکه مقصود از نبوت در سایر روایات رسالت است و نبوت به معنای نزول وحی شخصی بر ایشان است یعنی اموری دینی که فقط مربوط به خود ایشان است [دستورات خاص اخلاقی و معارفی] - چنانچه تحقیق پیرامون این مسأله خواهد آمد - و ممکن است این روایت حمل بر تقیه شود.

### مکان نزول نخستین وحی؛ حراء یا جای دیگر

امروزه شهرت بر آن است که نخستین وحی بر پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) در غار حراء بوده است. صرف نظر از برخی منابع حدیثی اهل سنت که بر این مسأله تصریح دارند (نمونه ای از آن را در بخش "چگونگی نزول نخستین وحی" می‌آوریم)، دانشمندان شیعه نیز در مواردی بیان داشتند سر آغاز بعثت از غار حراء بوده است.

طبرسي (رحمة الله عليه) می‌گوید:

أكثر المفسرين على أن هذه السورة أول ما نزل من القرآن وأول يوم نزل جبرائيل (عليه السلام) على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وهو قائم على حراء علمه خمس آيات من أول هذه السورة.

الطبرسي، أبو علي الفضل بن الحسن (متوفى 548هـ)، تفسير مجمع البيان، ج 10 ص 398، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى، 1415هـ - 1995م.

مطابق دیدگاه بیشتر مفسران، این سوره (عَلَق) اولین سوره از قرآن است که بر پیامبر (صلى الله عليه وآله) نازل شد و نخستین روزی که جبرئیل بر آنحضرت نازل گشت در حالی که ایشان در غار حراء ایستاده بود، پنج آیه اول این سوره را برای ایشان بیان کرد.

علی رغم گفته این عالمان؛ در جوامع حدیثی امامیه از غار حراء به عنوان محل نزول آغازین وحی، سخنی به میان نیامده است؛ نهایتاً در موارد اندک همانند خطبه قاصعه امیر مؤمنان علیه السلام از حراء به عنوان محل عبادت آن حضرت در بخشی از سال یاد شده است اما اینکه محل نزول اولین وحی هم در آنجا بوده یا نه، از این خطبه برداشت نمی شود. وانگهی؛ از گفتار برخی عالمان امامی چنین استفاده می شود که نخستین وحی بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در منطقه ای میان مکه و منا به نام "ابطح" بوده است.

فتال نیشابوری (رحمة الله عليه) می نویسد:

فَإِذَا أَتَتْ أَرْبَعُونَ سَنَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جِبْرَائِيلَ أَنْ يَهْبِطَ إِلَيْهِ بِإِظْهَارِ الرِّسَالَةِ وَذَلِكَ فِي يَوْمِ السَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصَمِّ فَاجْتَاَزَ بِمِيكَائِيلَ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدُ فَقَالَ لَهُ قَدْ بَعَثَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ نَبِيَّنَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَيْهِ بِالرِّسَالَةِ فَقَالَ لَهُ مِيكَائِيلُ فَأَجِئْ مَعَكَ قَالَ لَهُ نَعَمْ فَتَزَلَّ وَوَجَدَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) نَائِمًا بِالْأَبْطَحِ بَيْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ... فَقَالَ مِيكَائِيلُ لِيَجْبُرَائِيلَ إِلَى أَيُّهُمْ بُعِثَتْ قَالَ إِلَى الْأَوْسَطِ ثُمَّ انْتَبَهَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) فَأَدَّى إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ الرِّسَالَةَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى.

النيسابوري، أبو علي محمد بن محمد بن الفتح (الشهيد 508هـ)، روضة الواعظين، ص 52، تحقيق: السيد محمد مهدي السيد حسن الخراسان، ناشر: منشورات الرضي - قم.

آنگاه که چهل سالگی رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرا رسید، خداوند متعال به جبریل دستور داد تا برای ابلاغ رسالت بر آن حضرت فرود آید و آن در روز بیست و هفتم ماه رجب بود، جبریل از کنار میکائیل گذشت، میکائیل از او پرسید: کجا می‌روی؟ گفت: همانا خداوند پیامبری را مبعوث فرموده که پیامبر رحمت است و به من فرمان داد تا برای ابلاغ رسالت نزد او بروم، میکائیل گفت: من هم با تو می‌آیم، گفت: بیا، هر دو فرود آمدند، این در حالی بود که پیامبر (صلي الله عليه وآله) در منطقه ابطح میان امیر مؤمنان و جعفر بن ابی طالب (علیهما السلام) خوابیده بود ... میکائیل به جبرئیل گفت: به سوی کدامیک از ایشان مبعوث شدی؟ گفت: به سوی آن کسی که در وسط است، جبرئیل پیام رسالت را از سوی خداوند بزرگ به آن حضرت ابلاغ کرد.

مسعودی شیعی در اثبات الوصیه، همین مضمون را آورده است.

أمر الله عز و جل جبرئیل أن یهبط إلیه صلی الله علیه و آله و سلم یأظهار الرسالة ... فوجدا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نائما بالأبطح ... فأدئی جبرئیل الرسالة إلیه عن الله جل جلاله.

مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، ۱۱۵ و ۱۱۶، ناشر: قم، انصاریان. لازم به ذکر است که آیت الله شبیری زنجانی در جلد سوم کتاب "جرعه ای از دریا" ص ۲۲۵ می‌نویسد: مسعودی صاحب اثبات الوصیه غیر از مسعودی صاحب مروج الذهب است و مسلماً شیعه است.

خداوند متعال جبرئیل را مأمور کرد تا برای اظهار رسالت بر پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرود آید ... جبرئیل با ملک دیگر دیدند که آنحضرت در سرزمین ابطح خوابیده است ... آنگاه جبرئیل رسالت را از سوی خداوند متعال به پیامبر (صلي الله عليه وآله) رساند.

در پاره ای از روایات منابع امامیه از این موضوع (نزول وحی در سرزمین ابطح) سخن به میان آمده است که چه بسا همین طایفه از روایات، مستند افرادی چون فتال نیشابوری و مسعودی قرار گرفته است. این روایات (همچنانکه خواهید دید) در عین حال که از اندکی تفاوت برخوردارند، همگی سخن از فرود آمدن جبرئیل بر رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در سرزمین ابطح، به میان آوردند.

علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله آورده است.

كُنَّا رُقُودًا بِالْأَبْطَحِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يَمِينِي وَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يَسَارِي وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عِنْدَ رَجُلِي وَ جَبْرَيْلُ فِي ثَلَاثَةِ أَمْلَاكِ يَقُولُ لَهُ أَحَدُ الْأَمْلَاكِ الثَّلَاثَةِ إِلَيَّ أَيُّ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ أُرْسِلْتَ فَقَالَ إِلَيَّ هَذَا، قَالَ: مَنْ هَذَا فَقَالَ: هَذَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ.

القمي، أبو الحسن علي بن ابراهيم (متوفى ۳۱۰هـ) تفسير القمي، ج ۲ ص ۳۴۷ تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم:

السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

ما در سرزمین ابطح خوابیده بودیم، علی بن ابی طالب سمت راست من بود، جعفر سمت چپم و حمزه پایین پاهایم بود، جبرئیل به همراه سه تا از ملائکه آمدند، یکی از آنها گفتند به سوی کدامیک از این چهار نفر فرستاده شدی؟ گفت: به سوی این فرد. گفت: او کیست؟ گفت: این شخص محمد آقاي پیامبران است.

پس از وی، شیخ الطائفه (رحمة الله علیه) آن را با کمی تفاوت در کتاب امالی خود نقل کرده است:

رَقَدْتُ بِالْأَبْطَحِ وَ عَلِيٌّ عَنْ يَمِينِي وَ جَعْفَرُ عَنْ يَسَارِي وَ حَمْزَةُ عِنْدَ رَجُلِي فَنَزَلَ جَبْرَيْلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ فَإِذَا إِسْرَافِيلُ يَقُولُ لَجَبْرَيْلَ: إِلَيَّ أَيُّ الْأَرْبَعَةِ بُعِثْتَ وَ بُعِثْنَا مَعَكَ؟ فَقَالَ إِلَيَّ هَذَا وَ هُوَ مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ۴۶۰هـ)، الأمالي، ص ۷۲۳، تحقيق:

قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ.

در سرزمین ابطح خوابیده بودم، علی بن ابی طالب در سمت راست و جعفر سمت چپ و حمزه نزد پایم بود، جبرئیل، میکائیل و اسرافیل نازل شدند، در این هنگام اسرافیل به جبرئیل می گوید: به سوی کدامیک از اینها مبعوث شدی؟ گفت: به سوی محمد که سرور پیامبران است.

شیخ صدوق (رحمة الله علیه) این روایت را ضمن مناشده ای از امیر مؤمنان علیه السلام آورده است. (این روایت

هم به همان داستان اشاره دارد اگر چه نامی از سرزمین ابطح به میان نیاورد)

نَسَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَفَرَّقَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِي مِنْ خَيْرِ الْفِرْقَتَيْنِ ثُمَّ جَعَلَهُمْ شُعُوبًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ شُعْبَةٍ ثُمَّ جَعَلَهُمْ قَبَائِلَ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ قَبِيلَةٍ ثُمَّ جَعَلَهُمْ



بُيُوتًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ بَيْتٍ ثُمَّ اخْتَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَنَا وَ عَلِيًّا وَ جَعْفَرًا فَجَعَلَنِي خَيْرَهُمْ فَكُنْتُ نَائِمًا بَيْنَ ابْنَيْ أَبِي طَالِبٍ فَجَاءَ جِبْرَائِيلُ وَ مَعَهُ مَلَكٌ فَقَالَ يَا جِبْرَائِيلُ إِلَى أَيِّ هَؤُلَاءِ أُرْسِلْتُ فَقَالَ إِلَى هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِي فَأَجْلَسَنِي غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص ۵۵۹، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲

شما را به خدا، در میان شما بجز من کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درباره او فرموده باشد خداوند خلق را آفرید و آنها را دو دسته کرد و مرا در دسته بهتر نهاد سپس آن را چند قبیله کرد مرا در قبیله بهتر نهاد سپس آنها را چند خاندان کرد و مرا در خاندان بهتر نهاد سپس از خاندان من، مرا و علی و جعفر را برگزید و مرا بهتر از آنها گردانید، من میان دو فرزند ابی طالب (علی و جعفر) خوابیده بودم که جبرئیل به همراه فرشته‌ای آمد، آن فرشته بجبرئیل گفت به سوی کدامیک از این سه نفر نازل شدی؟ فرمود به سوی او، آنگاه دست مرا گرفت و مرا نشانند؟ گفتند: به خدا نه.

بنابراین از مجموع این روایات به دست می آید که از نظر شیعه مکان نزول وحی حراء نیست و سرزمین ابطح می باشد. حال در ادامه به چگونگی نزول وحی نخستین می پردازیم.

### چگونگی نزول نخستین وحی

یکی از مهمترین مباحث در حوزه مسایل مربوط به بعثت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، کیفیت و چگونگی نزول نخستین وحی بر آن حضرت است. اهمیت این مطلب با توجه به روایات تأمل برانگیز اهل سنت در این باره، هویدا می شود.

مطابق نقل بخاری و مسلم، که کتابشان منبع حدیثی درجه یک اهل سنت به شمار می رود، وقتی که فرشته وحی در غار حراء بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نازل شد، چنین گفت:

فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ قَالَ مَا أَنَا بِقَارِئٍ قَالَ فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّالِثَةَ ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ ( اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ) فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ يَرْجُفُ فُؤَادَهُ فَدَخَلَ عَلَى خَدِيجَةَ بِنْتِ حُوَيْلِدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَقَالَ زَمَلُونِي زَمَلُونِي فَرَمَلُوهُ حَتَّى دَهَبَ عَنْهُ الرَّوْعُ فَقَالَ لِيَخْدِجَةَ وَأَخْبَرَهَا الْخَبَرَ لَقَدْ خَشِيتُ عَلَى نَفْسِي فَقَالَتْ خَدِيجَةُ كَلَّا وَاللَّهِ مَا يُخْزِيكَ اللَّهُ أَبَدًا إِنَّكَ لَتَصِلُ الرَّحِمَ وَتَحْمِلُ الْكَلَّ وَتَكْسِبُ الْمَغْدُومَ وَتَقْرِي الضَّيْفَ وَتُعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الْحَقِّ فَانْطَلَقَتْ بِهِ خَدِيجَةُ حَتَّى أَتَتْ بِهِ وَرَقَةَ بْنَ نَوْفَلٍ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى بْنِ عَمِّ خَدِيجَةَ وَكَانَ امْرَأً تَتَّصِرَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ... فَقَالَ لَهُ وَرَقَةُ يَا بَنَ أَخِي مَاذَا تَرَى فَأَخْبَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ خَبَرَ مَا رَأَى فَقَالَ لَهُ وَرَقَةُ هَذَا النَّامُوسُ الَّذِي نَزَلَ اللَّهُ عَلَى مُوسَى

وقتی فرشته الهی آمد به من گفت بخوان، گفتم: من قادر به خواندن نیستم، در این هنگام آنچنان مرا فشرد که بی رمق شدم، سپس رهایم نمود و گفت بخوان، من گفتم: قادر به خواندن نیستم، در این هنگام آنچنان مرا فشرد که بی رمق شدم و باز رهایم نمود؛ تا آنکه آن فرشته در مرتبه سوم مرا فشرد و رها نمود و گفت: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. پیامبر (صلي الله عليه وآله) به منزل آمد در حالی که قلبش مضطرب و ترسان بود، به ایشان فرمود مرا بیوشان، حضرت خدیجه ایشان را پوشانید تا اینکه ترس ایشان بر طرف شد؛ آن حضرت به همسرشان فرمودند من از خودم می ترسم [شاید اتفاقی برایم رخ دهد] حضرت خدیجه گفت: هرگز خداوند تو را خوار نمی کند زیرا تو صله رحم به جا می آوری و بار فقیران را به دوش می کشی و به مستمندان کمک می کنی و مهمان نواز هستی و در حوادث، حق را یاری می کنی. حضرت خدیجه او را نزد پسر عمویش ورقه بن نوفل برد وی در دوران جاهلیت آیین مسیحیت گزیده بود ... ورقه گفت: چه می بینی؟ رسول خدا (صلي الله عليه وآله) آنچه دیده بود بیان داشت، ورقه به او گفت: این همان ناموسی است که خداوند نزد موسی (علیه السلام) فرستاد.

الجامع الصحيح المختصر، ج ۱ ص ۴، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶

، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.

صحیح مسلم، ج ۱ ص ۱۳۹، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱،  
دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي.

روایات اهل سنت درباره واقعه اولین نزول وحی، از سوی اندیشمندان امامی مورد نقد های جدی قرار گرفته است. مشروح این اشکالات در جلد سوم کتاب «الصحیح من سیره النبی» علامه سید جعفر مرتضی (حفظه الله) ذکر شده است. ما در اینجا به صورت مختصر به ذکر چند اشکال می پردازیم:

چگونه می توان پذیرفت که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در یکی از مهمترین مسائل اعتقادی یعنی وحی و نبوت که سرآغاز دیگر مسائل است، دچار تردید شده و برای اثبات نبوتش به دیگران پناه آورد. در واقع او پیامبری است که دیگران نبوت او را تثبیت می کنند. او خود نمی داند اما دیگران می دانند!!

۱- عایشه تنها راوی این نقل است و به ادعای خودش سال چهارم و یا پنجم بعثت به دنیا آمده پس شاهد عینی نبوده که از پیش خود و بدون استناد به دیگری این مطالب را می گوید.

۲- طبق روایت او، فرشته وحی به پیامبر فرمان می دهد کلام خدا را بخواند و پیامبر می فرماید: خواندن بلد نیستم؛ در اینجا سه فرض وجود دارد:

الف) پیامبر بخواهند از روی لوحی بخوانند ولی بلد نباشند: طبق این فرض دیگر فشارهای مکرر دلیلی ندارد زیرا فشار دادن فرد ارتباطی به یادگیری او ندارد.

ب) منظور جبرئیل این بود که پیامبر به دنبال او بخواند: این کار نیز امر دشواری نبود که پیامبری که به هوش و ذکاوت معروف بود نتواند انجام دهد و جبرئیل مجبور شود به زور متوسل شود.

ج) پیامبر خواندن و نوشتن بلد بوده و اساسا این روایت جعلی است.

چنانچه در ماجرای یوم الخمیس آمده است:

اَتُّونِي بِكَيْفٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضَلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا

صحیح البخاری ج ۳، ص ۱۱۵۵، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن

کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا.

برایم کتفی بیاورید تا برایتان مطلبی بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید.

۳- بر اساس بسیاری از روایات شیعه و سنی وقتی جبرئیل بر پیامبر نازل می شد به صورت فردی با ادب می آمد و اجازه می گرفت و حضرت در کمال آرامش و راحتی می فرمود این برادرم جبرئیل است و چنین می گوید و در هیچ روایت دیگری نیامده است که جبرئیل پیامبر 6 را اینگونه آزار داده باشد.

۴- تا کسی آمادگی چنین منصب عظیمی (ختم نبوت) را نداشته باشد معنا ندارد خداوند حکیم چنین وظیفه ای را به او واگذار کند به حدی که بگوید می ترسم اتفاقی برایم رخ دهد.

۵- چگونه ممکن است اطلاعات حضرت خدیجه و ورقه نسبت به نبوت پیامبر بیش از خود پیامبر باشد؟! و آیا هیچ مسلمانی می تواند بپذیرد که پیامبر 6 از نبوت خود آگاه نبود و با گفته یک نصرانی فهمید که به پیامبری مبعوث شده است.

۶- چطور ممکن است حضرت عیسی در گهواره از پیامبری خویش آگاه است و نمی ترسد و حضرت یحیی نیز در کودکی پیامبر می شود و نمی هراسد اما خاتم انبیا و با فضیلت ترین آنان در چهل سالگی نه تنها نمی داند پیامبر شده بلکه وحشت وجود او را فرامی گیرد و همسرش او را می پوشاند تا ترسش بریزد؟!

علی رغم اینکه این ترس و وحشت با آیات قرآن که نزول وحی را عامل و باعث آرامش روحی و اطمینان قلب پیامبر 6 می داند در تنافی و تعارض آشکار است مانند [وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُتَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا]. [سوره فرقان آیه ۳۲] «و کافران گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نمی شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را به وسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم».

و یا در آیه ای دیگر خداوند خطاب به پیامبر - چنین می فرماید:

[قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ]. [سوره یوسف، آیه ۱۰۸] «بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم! منزه است خدا! و من از مشرکان نیستم!»».

در این آیه خداوند از پیامبرش می‌خواهد به مردم بگوید راهی را که به آن دعوت می‌کند با بصیرت کامل است و ذره‌ای شک و تردید در آن راه ندارد. حال در این صورت دیگر شک و تردید در نبوت چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟!

با توجه به آیاتی که ذکر شد، آیا نسبت دادن ترس و شک و تردید در نبوت به پیامبر اکرم - مخالف قرآن نیست؟ و آیا چنین نسبتی با حکمت فرستادن پیامبران در تعارض نیست؟!

بنابراین طبق دلایل مذکور، چگونه می‌توان پیامبر خاتم 6 را متهم نمود که در نبوت خود شک داشته است؟! از این روست که شیعه پیامبر - را از این نسبت‌های ناروا مبرا می‌داند و وارد ساختن این نسبت‌ها را در کتابهای اهل تسنن، کار دست‌ان ناپاک اموی و عباسی می‌داند.

بدیهی است چنین تصویری از پیامبر بزرگ اسلام (صلي الله عليه وآله) می‌تواند دست‌آویز دشمنان دین قرار گیرد.

این در حالی است؛ روایاتی را که از منابع امامیه پیرامون نزول وحی در سرزمین ابطح آوردیم، اصلاً سخن از تشکیک به میان نمی‌آورد. اصولاً امامان شیعه (علیهم السلام) در تقابل کامل با دیدگاه فوق، نظر بر آن دارند که نبوت و رسالت ملازم با یقین و ایمان کامل شخص نبی و رسول بوده و هر گونه شک و تردید از ساحت نبوت به دور است. **تفسیر میزان، ج ۲۰ ص ۳۲۹.**

امام صادق (علیه السلام) در یک سخنی می‌فرماید:

إن الله إذا اتخذ عبداً رسولاً أنزل عليه السكينة والوقار فكان [الذي] يأتيه من قبل الله مثل الذي يراه بعينه.

محمد بن مسعود العياشي (متوفای ۳۲۰هـ)، تفسیر العياشي، ج ۲ ص ۲۰۱، تحقیق: الحاج السید هاشم الرسولي المحلاتي، ناشر: المكتبة العلمية الإسلامية - طهران.

همانا خداوند بزرگ، هر گاه بنده‌ای را به عنوان رسول خود بر می‌گزیند، یک نوع آرامش و وقار بر او می‌فرستد، پس آنچه که از سوی خداوند متعال بر او نازل می‌شود مثل آن چیزی است که با چشم خود می‌بیند.

## آیین پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت

دانشمندان اسلامی پیرامون چگونگی شریعت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت، دیدگاه‌های گوناگون ارایه کردند. در ادامه تعدادی از مهمترین آراء در این باره را می‌آوریم.

لازم به ذکر است؛ برخی دانشمندان از هر گونه اظهار نظر در این باره صرف نظر کرده و به اصطلاح متوقف شدند. آیت الله سبحانی (حفظه الله) در نقد این دیدگاه می‌نویسد: بر پایه مدارک موجود، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت، یک سری اعمال عبادی از قبیل طواف خانه خدا و اعتکاف انجام می‌داد. بدیهی است هر عمل عبادی باید مطابق شریعتی بوده باشد. این مطلب با قول به توقف ناسازگار است.

السبحانی، الشیخ جعفر، عصمة الأنبياء في القرآن الكريم، ص ۲۶۰، الناشر: مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، ایران، الطبعة: الثانية، سنة الطبع: ۱۴۲۰

عده‌ای بر آنند پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پیش از رسالتش تابع هیچگونه شریعتی نبود. بنا به گفته آیت الله سبحانی (حفظه الله) این قول به ابوالحسن (ابوالحسین) بصری نسبت داده شد.

همانطور که در نقد دیدگاه پیشین آوردیم، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثتش، یک سری اعمال عبادی انجام می‌داد. حال چگونه می‌توان پذیرفت که آنحضرت متبعد به هیچگونه شریعتی نبود؟

السبحانی، الشیخ جعفر، عصمة الأنبياء في القرآن الكريم، ص ۲۵۶ و ۲۵۹، الناشر: مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، ایران، الطبعة: الثانية، سنة الطبع: ۱۴۲۰.

دیدگاه بعدی از آن کسانی است که می‌گویند نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) مطابق یکی از شریعت‌های پیشین [شریعت ابراهیم یا موسی (علیهما السلام) یا ...] عمل می‌کرد.

شیخ طوسی (رحمة الله علیه) این نظریه را به دلیل قاعده «قبح تبعیت فاضل از مفضول» مردود می‌دارد و بر این باور است پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نسبت به انبیاء پیشین (علیهم السلام) برتر و از جایگاه بالاتری برخوردار است، به همین دلیل نمی‌تواند تابع شریعت آنها بوده باشد.

ثبت بالإجماع من أنه عليه السلام أفضل من سائر الأنبياء ولا يجوز أن يؤمر الفاضل بالتباع المفضول.

الطوسی، محمد بن الحسن، العدة في أصول الفقه، ج ۲ ص ۵۹۱، تحقيق: محمد رضا الأنصاري القمي، الطبعة :

الأولى، سنة الطبع : ذوالحجة ۱۴۱۷ - ۱۳۷۶ ش، المطبعة : ستاره - قم

اجماع بر آن است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از دیگر انبیاء (علیهم السلام) برتر است و جایز نیست به فردی که از رتبه بالاتر برخوردار است دستور داده شود تا از پایین تر از خود تبعیت کند.

پاره ای از اندیشمندان هم نظر بر آن دارند پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از ابتدای امر بر اساس شریعت خودش عمل می کرد. البته تا هنگامه بعثت، مأمور به ابلاغ نبود بلکه صرفاً آنها را دریافت و خود مأمور بود آنچه بدو می رسید عمل کند. شیخ طوسی و علامه مجلسی (رحمة الله علیهما) نمونه هایی از عالمان متقدم و میانی امامیه اند که از این نظریه طرفداری کردند.

شیخ طوسی (رحمة الله علیه) در این باره می نویسد:

فصل: في أنه عليه السلام هل كان متعبداً بشريعة من كان قبله من الأنبياء أم لا؟ عندنا أنّ النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) لم يكن متعبداً بشريعة من تقدمه من الأنبياء لا قبل النبوة ولا بعدها وأن جميع ما تعبد به كان شرعاً له.

الطوسی، محمد بن الحسن، العدة في أصول الفقه، ج ۲ ص ۵۹۰، تحقيق: محمد رضا الأنصاري القمي، الطبعة :

الأولى، سنة الطبع : ذوالحجة ۱۴۱۷ - ۱۳۷۶ ش، المطبعة : ستاره - قم

فصلی درباره اینکه آیا پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) متعبد به شریعت انبیاء پیشین بود یا نه؟ (مطلب درست) نزد ما آن است که آنحضرت قبل از نبوت و بعد از آن، به هیچ یک از شریعتهای انبیاء پیشین (علیهم السلام) متعبد نبود و هر آنچه بدان تعبد داشت، شریعت خودش بود.

سخن علامه مجلسی (رحمة الله علیه) این است:

فاعلم أن الذي ظهر لي من الأخبار المعتبرة والآثار المستفيضة هو أنه (صلى الله عليه وآله) كان قبل بعثته مذ أكمل الله عقله في بدو سنه نبيا ... ثم بعد أربعين سنة صار رسولا ونزل عليه القرآن وامر بالتبليغ وكان يعبد الله قبل ذلك بصنوف العبادات إما موافقا لما أمر به الناس بعد التبليغ وهو أظهر أو على وجه آخر.

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۸ ص ۲۷۸، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

بدان، از روایات گوناگون چنین برایم ثابت شده که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت، از همان زمان که خداوند متعال در ابتدای سنین، عقل او را کامل گرداند، نبوت داشت ... سپس بعد از چهل سال به مقام رسالت نایل شد و قرآن بر او نازل گشت و مأمور به تبلیغ گشت و پیش از آن انواع عبادات را انجام می داد (این عبادات) یا همان بودند که آنحضرت بعد از رسالت به مردم رساند، این وجه اظهر است. یا به نحو دیگر. این گروه برای اثبات مدعایشان دلایل گوناگونی آوردند، از جمله آنکه می گویند رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نسبت به دیگر انبیاء (علیهم السلام) برتری دارد، به همین جهت، نمی تواند در برهه ای از زندگی تابع شریعت یکی از آنها بوده باشد، پس باید همیشه تابع شریعت خودش بوده باشد و این مقتضی نبوت آنحضرت پیش از رسالت است.

ثبت بالإجماع من أنه عليه السلام أفضل من سائر الأنبياء ولا يجوز أن يؤمر الفاضل بالتباعد المفضول.

الطوسي، محمد بن الحسن، العدة في أصول الفقه، ج ۲ ص ۵۹۱، تحقیق: محمد رضا الأنصاري القمي، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ذوالحجة ۱۴۱۷ - ۱۳۷۶ ش، المطبعة: ستاره - قم

اجماع بر آن است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از دیگر انبیاء (علیهم السلام) برتر است و جایز نیست به فردی که از رتبه بالاتر برخوردار است دستور داده شود تا از پایین تر از خود تبعیت کند.

آنها همچنین به یک روایت از کافی کلینی (رحمة الله علیه) استناد می کنند، در این روایت، امام (علیه السلام) با استناد به آیه "إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا" (۳۰/مریم) بر نبوت حضرت عیسی (علیه السلام) در دوران کودکی استدلال می کند. حال که چنین است، پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) هم به طور حتم در ایام طفولیت مقام نبوت را حائز بود زیرا (علاوه بر آنکه آنحضرت بر همه پیامبران از جمله عیسی (علیه السلام) برتری دارد) مطابق روایات فراوان، هر آنچه را که خداوند بزرگ به انبیاء پیشین (علیهم السلام) عنایت کرد، به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) هم عطا نمود.



علامه مجلسی (رحمة الله عليه) پس از بیان روایت فوق می گوید:

وقد ورد في أخبار كثيرة أن الله لم يعط نبيا فضيلة ولا كرامة ولا معجزة إلا وقد أعطاه نبينا (صلى الله عليه وآله) فكيف جاز أن يكون عيسى (عليه السلام) في المهد نبياً ولم يكن نبينا (صلى الله عليه وآله) إلى أربعين سنة نبيا؟

المجلسي، محمد باقر (متوفى ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۸ ص ۲۷۸، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

در روایات فراوان آمده است خداوند متعال هیچ فضیلت و کرامتی را به انبیاء گذشته (علیهم السلام) نداد مگر آنکه همان را به پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) هم داده است، حال چگونه جایز است که عیسی (عليه السلام) در کودکی مقام نبوت را دارا باشد و پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) تا سنین چهل سالگی این مقام را نداشته باشد؟

در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود: مطابق دیدگاه اخیر، باید پذیرفت پیش از بعثت هم بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) وحی می شد زیرا عمل نمودن به شریعتی نو (اسلام) مستلزم دریافت وحی از سوی خداوند متعال است، این در حالی است که بر پایه گزارشات موجود، نخستین وحی بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آیات ابتدایی سوره علق بود که به داستان بعثت آنحضرت اشاره دارد. بنا بر این؛ قول به نزول وحی تا پیش از واقعه بعثت با مشکل مواجه است.

صاحب مجمع البیان آورده است:

أكثر المفسرين على أن هذه السورة أول ما نزل من القرآن وأول يوم نزل جبرائيل (عليه السلام) على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وهو قائم على حراء علمه خمس آيات من أول هذه السورة.

الطبرسي، أبو علي الفضل بن الحسن (متوفى ۵۴۸هـ)، تفسير مجمع البیان، ج ۱۰ ص ۳۹۸، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵م.

مطابق دیدگاه بیشتر مفسران، این سوره (عَلَق) اولین سوره از قرآن است که بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل شد و نخستین روزی که جبرئیل بر آنحضرت نازل گشت در حالی که ایشان در غار حرا ایستاده بود، پنج آیه اول این سوره را به او یاد داد.

در پاسخ از این شبهه می‌گوییم: آنچه مرحوم طبرسی و دیگران بیان داشتند به وحی رسالی و ابلاغی نظر دارد و این منافاتی ندارد که پیش از بعثت هم بر آنحضرت وحی (غیر رسالی) شده باشد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت، آموزه‌های وحیانی را از عالم بالا دریافت می‌کرد و خود مأمور به انجام آن بود تا هنگامه بعثت (۲۷ رجب) و با نزول آیات نخستین سوره علق، رسماً به رسالت برانگیخته شد. پیشتر هم این علامه مجلسی (رحمة الله علیه) را آوردیم:

أنه (صلی الله علیه وآله) كان قبل بعثته نبيا ... ثم بعد أربعين سنة صار رسولا ونزل عليه القرآن وامر بالتبليغ.

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۸ ص ۲۷۸، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت، مقام نبوت را دارا بود ... سپس بعد از چهل سال به مقام رسالت نایل شد و قرآن بر او نازل گشت و مأمور به تبلیغ گشت.

در پایان؛ خواننده گرامی، جهت دریافت اطلاعات بیشتر پیرامون چگونگی شریعت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت، می‌توانید به کتاب "عصمة الأنبياء في القرآن الكريم" اثر آیت الله سبحانی (حفظه الله)، نیز مقاله ای با عنوان "دیدگاه‌های مسئله دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت" نوشته آقای محسن تنها، مراجعه نمایید.

## بعثت و نبوت مقارن یا در دو زمان

بحث از همزمان بودن یا نبودن بعثت (رسالت) و نبوت، می تواند در زمره مباحث مربوط به ماجرای بعثت به شمار آید. در این بحث در صدد آنیم که آیا پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) قبل از واقعه بعثت (رسالت)، دارای مقام نبوت بود یا آنکه در بیست و هفتم ماه رجب، همزمان مقام نبوت و بعثت (رسالت) را حائز گشت؟

با توجه به آنچه که در بخش پیشین (آیین پیامبر صلی الله علیه وآله پیش از بعثت) بیان داشتیم، معلوم می گردد که مطابق دیدگاه آن دسته از عالمان که می گویند پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) از ابتدای امر بر اساس شریعت خودش عمل می کرد، آنحضرت مقام نبوت را پیش از بعثت دارا بود، علامه مجلسی (رحمة الله عليه) بدان تصریح می کند. (أنه صلی الله علیه وآله کان قبل بعثته نبياً)، زیرا بدیهی است که مطابق این دیدگاه، آنحضرت آموزه های شریعت تازه (اسلام) را از عالم بالا دریافت می نمود و این چیزی جز نبوت نیست.

مطابق سایر دیدگاه ها هم فی حد نفسه امکان آن وجود دارد که به نبوت آنحضرت پیش از بعثت، ملتزم شد زیرا این عده، تنها وجود یک شریعتی نو در بازه زمانی پیش از بعثت را انکار کرده یا لا اقل در این باره متوقف شدند، این مطلب منافاتی ندارد که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در همان حال که تابع شریعت دیگران است، آموزه های وحیانی هم در یافت کند.

## نتیجه

بر پایه آنچه که در این نوشتار کوتاه گفتیم، معلوم گشت که امامیه با استناد به روایات ائمه (علیهم السلام) وقوع بعثت در بیست و هفتم ماه رجب سال چهلیم از عام الفیل را پذیرفت. نیز گفته شد اگر چه شهرت بر آن است که نخستین وحی بر پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) در غار حراء بود اما مستنداتی هم بدست آمد که حکایت از نزول نخستین وحی در سرزمین «ابطح» داشت. آموزه های اهل سنت درباره چگونگی نزول اولین وحی بر رسول مکرم اسلام (صلي الله عليه وآله) را هرگز نتوانستیم بپذیریم و بیان شد آنچه در این باره با مقام ارجمند نبوت و رسالت میانه دارد کلام ائمه (علیهم السلام) است. در رابطه با شریعت آنحضرت پیش از بعثت، دیدگاه

های گوناگونی وجود داشت که مطابق برخی از این دیدگاه‌ها نبوت آنحضرت پیش از بعثت ثابت می‌شد و مطابق سایر دیدگاه‌ها اگر چه به طور قاطع نتوانستیم نبوت آنحضرت قبل از بعثت را ثابت کنیم اما مستندی بر رد آن هم در دست نداشتیم و گفتیم فی حد نفسه امکان دارد که بر اساس این دیدگاه‌ها هم قائل به نبوت آنحضرت پیش از بعثت گشت.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف